

یادداشت

تخصص گرای خلاً ۱۸ساله شوراها

محمد میرزایی
کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری

● امروز که ۱۸ سال از عمر شوراهای می‌گذرد، می‌توان ذره‌بینی قرار داد و عملکرد این سال‌ها را در دوره‌های گوناگون آن به نقد گذاشت تا شاید بتوان این نهادی را که در سال‌های دهه ۷۰ به همت دولت وقت مطابق با اصول قانون اساسی تشکیل آن ابلاغ شد، برای آینده، روشن‌تر واکاوی کرد. شورای شهر مطابق قانون باید شهردار را انتخاب کند، بودجه‌اش را تصویب کند، برای تسهیل و توسعه امور شهر مصوبه بگذراند و در نهایت به نمایندگی از شهروندان بر ارگان‌های شهری نظارت کند تا قانون بی‌کم‌وکاست اجرا شود. از این چهار وظیفه عمده شوراها در این سال‌ها با کیفیت‌های گوناگون، اتفاقاتی رویت شده که نقد همه این مسائل در این طرف محدود نمی‌گنجد اما اگر بخواهیم از نگاه جامعه‌شناختی شورای شهر تهران را به‌عنوان وثرین کشور رصد کنیم، می‌توانیم نتایج ذیل را از آن استنتاج کنیم؛ دوره اول شوراها که با استقبال عمومی جامعه در سال‌هایی که مشارکت در انتخابات هم در صد بالایی داشت، مردم با اعتماد و امید گروهی را برای هدایت این نهاد به ساختمان خیابان بهشت فرستادند، شورای اول از حیث کارشناسی دستاوردهای فراوانی داشت اما بروز و ظهور آن صرفاً رنگ‌بوی سیاسی پیدا کرد. در مرحله‌ای که برخی بزرگان شورا برای تصدی‌های دیگر از شورا استعفا دادند، وضعیت شورا به محاق رفت، درگیری‌ها بالا گرفت و از آنجا که سیاستپوس نقش پررنگی داشتند، مدیریت بر شهر که صرفاً شامل امور خدماتی و زیرساخت شهری می‌شود، اسیر کشمکش‌هایی از جنس سهم‌گیری‌های سیاسی شد. این اتفاق بسیاری از خدمات شورای اول را هم پوشاند و در نگاه افکار عمومی درواقع مردم مایوس از رای خویش شدند و در انتخابات دور دوم تهرانی‌ها حضور پررنگی نداشتند که در نهایت منجر به حضور آبادگران و تعدادی چهره‌های ورزشی که از کف رای مشخصی برخوردار بودند، شد. شورای دوم فارغ از هرگونه قضائوتی، شهرداری را معرفی و زمینه رئیس‌جمهورشدنش را هم فراهم کرد. اتفاقا شورای دوم که این‌گونه عمل مهمی را رقم زد، هیچ هیاهو و سروصدایی از آن در افکار عمومی شنیده نمی‌شد، اما مشخصاً باز هم سیاستپوس بر آن خیمه زدند و زیرساخت‌های اساسی تهران مانند حمل‌ونقل عمومی و نظارت بر عملکرد مالی که از امور تخصصی برنامه‌ریزی شهری است، صرفاً به شعار و بهره‌برداری از آن سپری شد و کارنامه‌ای مشخص از اجرای پروژه‌های زیربنایی در تهران در این دوره قابل دسترسی نیست و تنها یادگار به جای‌مانده در کالبد شهر، احداث آبخوری و سقاخانه در محلات شهر بود. شورای سوم که تشکیل شد متأثر از رفتن احمدی‌نژاد به دولت، سودای پرواز از بهشت به پاستور در سر سیاستپوس پررنگ شد و این اتفاق خوبی برای شهر نبود. این‌بار هم جو غالب شورا را همان بدنه شورای دوم تشکیل می‌داد و با همان رویه پیشین پیش می‌رفت، چراکه تعداد ورزشکاران افزایش یافت و بقیه کرسی‌ها هم بین سیاستپوس با وزن‌های متفاوت تقسیم شد. در این دوره شهر را بیش از آنکه شورای شهر راهبری کند، شهرداری راهبری می‌کرد که متأسفانه جز تک‌تیرهایی از شورای شهر، صدایی از شورای شهر در جهت مسائل راهبردی شنیده نشد، مثال آن هم برای اجرای اتوبان صدر که یکباره به برنامه‌های مدیریت شهری اضافه شد. فارغ از اظهارنظر راجع به کارکرد اتوبان صدر که انصافاً زحمت زیادی برای اجرای آن کشیده شده، اما درواقع ذیل کدام برنامه شهری (برنامه پنج‌ساله اول) و با چه منطق شهرسازی، این بار ترافیکی یکباره بر آن منطقه از شهر تحمیل شد؟ این مشت نمونه خروار دال بر این است که به‌جای دانش‌موختگان و مدیران شهری، صرفاً پرندهای صنوف دیگر که اتفاقاً بسیار هم محترم و قابل احترام اجتماع هستند، در شورای شهر برای شهر تصمیم‌گیری می‌کردند. بعد از تجربه این سه دوره، شورای چهارم تشکیل شد که تعدادی از مدیران و دانش‌موختگان، آن هم به لطف حمایت برخی گروه‌های سیاسی، وارد شورا شدند. این‌بار شورا محل نزاع دو قطب سیاسی شد تا جایی که معیار انتخاب شهردار کمتر از ۱۰ درصد تخصص مرتبط را شامل می‌شد و اعضای شورا صرفاً به جهت علقه تشکیلاتی به گروه خود بعضاً برخلاف میل باطنی و کارشناسی در هر دو گروه شورا را خود را به سید شهردار ریختند. بعد از انتخاب شهردار هم بارهوابار اعضا به‌دلیل علقه تشکیلاتی برخلاف میل باطنی به مصوبات رای می‌دادند و این آفتی است که در گذار دموکراسی‌ظاهر اجتناب‌ناپذیر بوده است و مادامی‌که شهروندان و جناح‌های سیاسی نخواهند متخصصان امر شهر را اداره کنند، تن رجور شهر همین آلودگی هوا، آب و خاک را خواهد داشت. شهر به‌جای توسعه حمل‌ونقل عمومی و مترو، ترافیک سرسام‌آورش را خواهد داشت. شهر با وجود مناظر زیبا، زیرساخت‌های عمومی آن فدای انتفاع خصوصی خواهد شد. نگرانی برای محیط‌زیست و فضای سبز آن، با برخورد سیاسی و اتهام برخورد خواهد شد. اینها بخشی از صدها مسئله تهران، پایتخت کشور است که قرار است مطابق قانون، شورا به حل آنها کمک کند نه ابزار تشدید آنها شود. با این تجربه ۱۸ساله در بستر دموکراسی برای توسعه و سعادت شهروندی باید شهر را به دست متخصصان سپرد. به عبارت بهتر، یعنی افراد بیش از اینکه شناسنامه و تعصب جناحی داشته باشند، فهم صحیح و تعصب بر منافع شهر و مردم داشته باشند که صرفاً تحقق این مهم مرهون اراده مردم است.

معصومه اصغری: مردم تهران تقریباً دو دهه است که شورا دارند؛ اما اینکه ۷۶ عضوی که از سال ۷۶ تاکنون نماینده مردم تهران شده‌اند، نماینده چه تعداد از آنها بوده‌اند، مهم است. شوراهایی که با حواشی و ضرب و زور بسیار در مقابل مقاومت دستگاه‌های مختلف پله‌پله شکل گرفت و جایی برای خودش باز کرد، در دوره چهارم خود است؛ شورایی که در دوره اول از میان حدود هفت میلیون جمعیت تهران، ری و شمیرانات، نفر اولش تنها ۵۸۸ هزار رای داشت، در سال ۹۲ هم با جمعیت بیش از ۱۲میلیونی باز هم نفر اول منتخبش ۵۶۶ هزار رای می‌آورد. آمار تعداد آرای کل منتخبان شورای شهر تهران در مجموع می‌تواند گویای سطح توجه و اهمیت‌دادن مردم تهران به شوراها باشد؛ مخصوصاً وقتی که انتخابات شوراها در هر بار معمولاً هم‌زمان با انتخابات‌های مهمی مانند انتخابات ریاست‌جمهوری بوده و بخش زیادی از شهروندان تحت‌تأثیر آن فضا در انتخابات شوراها هم حضور داشته‌اند.

وقتی اصلاح‌طلبان دولت اصلاحات در سال ۷۶ به دنبال ایجاد شوراها و شکل‌گیری فضایی به عنوان پارلمان شهری رفتند، شاید تا این اندازه هم امیدوار نبودند که این نهاد مردمی تا ۲۰ سال بعد همچنان پایرجا بماند. حتی بعد از دولت اصلاحات و به‌حاشیه‌رفتن این دیدگاه، شوراها جایگاهی قوی برای جریان مقابل، یعنی اصولگرایان شد و اصلاح‌طلبان تا همین امروز به دنبال کسب کرسی‌های بیشتر از شوراها هستند. شورای اول با قدرت شروع شد؛ اما با اشتباهات و تجربه‌هایی تلخ خاطره بدی را برای مردم گذاشت. هم‌زمانی این عملکرد با اتفاقات تلخ سال‌های ۷۲ تا ۸۰ و به‌ویژه پایان دوره دولت هشتم، فرصت جبران را اصلاح‌طلبان گرفت و روندی که از ابتدا قرار بود برای شوراها اجرایی شود، هم تحت‌الشعاع قرار گرفت و به سمتی دیگر رفت. اعضایی که در دوره دوم شوراها به نام اصولگرا به شوراهای تهران آمدند، تلاش زیادی برای عادی‌سازی روند کار شوراها و تعامل با مردم داشتند و نمی‌توان این تلاش و اهتمام را نادیده گرفت؛ هرچند که تعداد آرای آنها افت شدیدی داشت و نفر اول انتخابی تهران با ۱۹۲ هزار رای انتخاب شد.

ترکیب شورای دوم کاملاً تفاوت داشت و در میان این افراد چهره‌هایی شناخته‌شده مانند مهدی چمران یا رسول خادم حضور داشتند که از نگاه مردم «چهره‌هایی مردمی» و نه سیاسی بودند. با وجود همه تلاش‌ها و تبلیغاتی که در این دوره اتفاق افتاد، مجموع آرای این انتخابات بیش از یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار رای صحیح بود؛ درحالی‌که تعداد آرای نفر اول، یعنی مهدی چمران بیش از ۱۹۲ هزار رای و تعداد رای نفر آخر، یعنی خانم معتمدی‌آذر ۸۵ هزار رای بود. این تعداد رای در تاریخ چهار دوره شوراها کمترین آرا بود و در دوره‌های بعد تکرار نشد؛ اما تجربه خوبی بود تا نشان دهد اگر اعضای شورا کار نکنند و عملکردی غیر از آنچه باید، داشته باشند، مردم آنها را نه‌تنها انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه اصلاً برای حضورشان مشارکت هم نخواهند داشت.

شاید لازم باشد واکاوی این اعداد را به چهار دوره تسری داد و با مرور برخی از این آمارها، در سالگرد شوراها برآوردی از توجه مردم به شوراها را به دست آورد. براساس این می‌توان گفت که تعداد کل آرای مردم تهران در دوره اول، بیش از یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار رای صحیح بود. نفر اول منتخب تهران در دوره اول عبدالله توری با بیش از ۵۸۸ هزار رای بود و نفر آخر را هم محمد غرضی با ۱۹۲ هزار رای به خود اختصاص داد. این آمار در دوره دوم افت شدیدی داشت؛ به نحوی که در تهران ۵۲۲هزارو ۵۲۲ نفر در انتخابات شورای شهر تهران شرکت کردند و تعداد آرای نفر اول فهرست،

دوسوم ماماها در کشور بی‌کارند

شرق: رئیس سازمان نظام پزشکی کشور با اشاره به پایین‌بودن حقوق پرستاران و دیگر پرسنل درمانی در کشور گفت: دوسوم ماماها در کشور بی‌کارند؛ درحالی‌که اینها سرمایه‌های کشور هستند. علیرضا زالی؛ رئیس سازمان نظام‌پزشکی کشور در نشست خود اظهار کرد: آفت بزرگی که در سال‌های اخیر به وجود آمده، مشی پوپولیستی است که ادامه پیدا کرده و بین منافع جامعه پزشکی و مردم واگرایی را تعریف کرده است؛ درحالی‌که هیچ اختلافی در این حوزه بین مردم و جامعه پزشکی وجود ندارد. وی ادامه داد: در کشور ما نه مردم و نه پزشکان و نه پرسنل بهداشتی و درمانی رضایت ندارند و این مدلی است که باید با طراحی کلان در کشور تصحیح شود و با سرکوب تعرفه‌ها نمی‌توان این مسئله را حل کرد. وی ادامه داد: متأسفانه بودجه سلامت کشور همسان با شتاب عرضه سلامت رشد نمی‌کند و رشد بیمه‌ها قریب ۱۲ درصد است. رئیس سازمان نظام‌پزشکی کشور ادامه داد: مسیری که در تعرفه‌ها سپری می‌کنیم، یک مسیر چانه‌زنی غیرکارشناسی و غیرفهمند است که رسانه‌ها

جامعه

بررسی مقایسه‌ای میزان اقبال مردم تهران به شوراها در ۲دهه حضور

نمایندگان چند دهه‌هزارتایی پایتخت میلیونی



عکس: مهدی حسینی، شرق

مقایسه میزان اقبال مردم تهران به شوراها در چهار دوره		
رتبه‌منتخب	نام	تعداد رای
نفر اول	عبدالله نوری	۵۸۸۶۳۳
نفر دوم	سعیدحجاریان	۳۸۶۰۵۹
نفر چهاردهم	عباس دوزدوزانی	۲۰۰۵۵۲۱
نفر پانزدهم	سیدمحمدغرضی	۱۹۲۲۱۱
نفر اول	مهدی چمران	۱۹۲۷۱۶
نفر دوم	عباس شیبانی	۱۷۸۳۵۱
نفر چهاردهم	منظر حبیب‌اللهی	۸۷۶۹۰
نفر پانزدهم	مهنوش معتمدی‌آذر	۸۵۸۳۹
نفر اول	مهدی چمران	۶۰۳۷۶۶
نفر دوم	مرتضی‌طلایی	۵۳۹۷۶۱
نفر چهاردهم	خسرودانشجو	۲۰۰۱۷۵
نفر پانزدهم	حبیب‌گاشانی	۱۹۷۲۸۴
نفر اول	مهدی چمران	۶۱۴۵۶۶
نفر دوم	علیرضادبیر	۴۶۷۷۰۰
نفر سی‌ام	محسن پیرهادی	۱۱۴۴۹۵
نفر سی و یکم	محمدمهدی‌مفتح	۱۱۴۴۳۹

یعنی مهدی چمران، ۱۹۲ هزار رای، یعنی به اندازه نفر آخر منتخب در دوره اول شوراها بود. توجه به عملکرد شورای دوم و تغییرات کلی که بعد از انتخاب محمود احمدی‌نژاد، شهردار گمنام تهران، برای انتخابات ریاست‌جمهوری اتفاق افتاد، شرایط برای انتخابات دوره سوم هم تغییر کرد.

در دوره سوم شوراها در کل کشور و تهران امیدوار بودند که با توجه به حضور رئیس دولتی که از نزدیک با دغدغه‌های شهر آشناست، برنامه‌هایشان محقق شود؛ اما حداقل تا پایان دوره سوم که به شکلی ویژه شش‌ساله شد و پایان دولت دهم و حتی در بسیاری موارد تا امروز، این اهداف و برنامه‌ها روی زمین ماند. مشارکت مردم در نتیجه عملکرد شورای دوم افزایش یافت؛ اما تازه به پله اول برگشته بود؛ بیش از یک‌میلیون و ۶۵۰ هزار نفر از مردم تهران در سال ۸۵ پای صندوق رای شوراهای شهر و روستا رفتند و به ۱۵ نفر اول تهران رای دادند. در این دوره از انتخابات باز هم نفر اول منتخب، مهدی چمران با بیش از ۶۰۲ هزار رای بود و نفر آخر حبیب کاشانی با ۱۹۷ هزار رای بود.

محل اصلی مقایسه این گزارش آمار دوره چهارم شوراهاست، وقتی که تعداد کل آرای ۳۱ عضو و نه ۱۵ عضو از حدود دومیلیون و ۷۰۰ هزار رای بیشتر نمی‌شود. در این رقابت هم مهدی چمران با ۵۶۶ هزار رای نفر اول است و محمدمهدی مفتح (که البته منتخب مجلس شورای اسلامی‌شدن را به شورایی‌شدن ترجیح داد) با ۱۱۴ هزار رای نفر آخر شد. شاید یکی از دلایل تعداد آرای بسیاری از این منتخبان افزایش تعداد اعضا از ۱۵ به ۳۱ عضو و تقسیم تعداد آرای تهران بین آنها باشد؛ اما مسئله مهم میزان رای است که به‌جز دوره دوم که توضیح

نفرت آخری یا حتی علی‌البدل‌هایی که در این سال‌ها به شورا راه یافته‌اند، جدای از عملکرد کاری، ناپلئونی‌های هر دوره بوده‌اند؛ زیرا نفرت آخر فهرست‌های منتخب از دوره اول تا چهارم به ترتیب ۱۹۲، ۸۵، ۱۹۷ و ۱۱۴ هزار رای داشته‌اند. از سوی دیگر شاید لازم باشد درباره میزان مشارکت مردم در شوراها، به‌ویژه پایتخت در چهار دوره قبلی بازبینی جدی صورت شود و یادآوری کنیم که مردم تهران در دو دهه گذشته تاکنون تعداد مشخصی از رای را داشته‌اند و این رقم بیشتر نشده و یا دست‌کم رشد چشمگیر نداشته است. رقم مشارکت مردم تهران، ری و شمیرانات چه با جمعیت شش یا هفت‌میلیونی دهه ۷۰ و چه با جمعیت ۱۲ و ۱۳میلیونی دهه ۹۰ به‌جز دوره آخر حادقل دو میلیون مشارکت نرسیده است؛ یعنی حتی نیمی از افراد واجد شرایط انتخاب هم در این مشارکت میلیونی همکاری نداشته‌اند تا شوراها مدعی باشند که نماینده همه مردم هستند. به بیان دیگر شوراها با این میزان از رای نمی‌توانند مدعی باشند که با همه تلاش‌ها و موفقیت‌ها و ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها، نماینده همه مردم هستند؛ اگرچه فردی که مثلاً ۱۳۰ هزار رای در دوره‌ای از شوراها داشته؛ بالاخره نماینده بخشی از مردم است؛ اما اگر واقع‌بین باشیم، نمی‌تواند این نمایندگی را در عمل به همه مردم شهر تسری دهد. با همین استدلال شورایی‌ها چه در تهران و چه در شهرهای دیگر باید بکوشند در هر دوره تعداد این مشارکت را بالا ببرند و هدفشان تنها واردشدن به شوراها، آن‌هم با حداقل میزان رای نباشد.

قطعه معاز این مشارکت ارتباط مستقیمی با عملکرد و ارتباط شوراها در زندگی روزمره مردم تهران و سایر شهرها دارد. مردم تهران حالا خوب می‌دانند که شهر را شهرداری و شورا می‌چرخانند و با همه کمبودها رضایت نسبی از مدیریت شهری دارند؛ اما هنوز این رضایت به سطح مطلوبی که آنها را با اشتیاق به پای صندوق‌های رای و همراهی با نمایندگانشان بکشاند، نرسیده است. شاید لازم بود یک بار انتخابات شوراها بدون همراهی با انتخابات مجلس یا ریاست‌جمهوری برگزار شود تا شورایی‌ها بدانند مردم شهرشان با چه تعداد رای واقعی پای صندوق‌های رای آمده‌اند و به آنها رای داده‌اند.

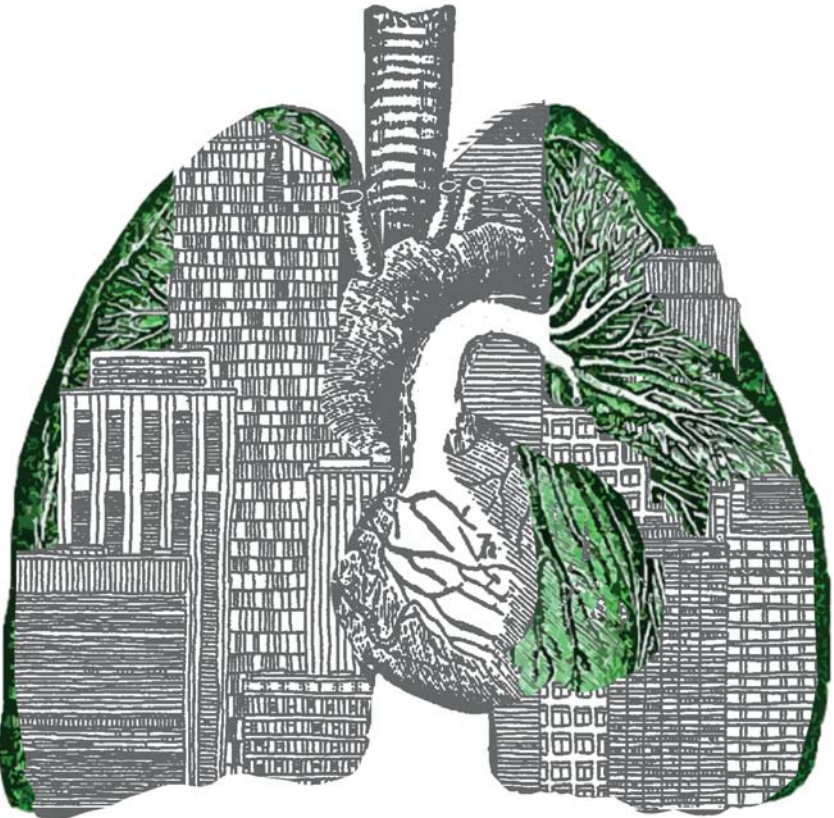
خبر

بدحجابی ارتباطی به حریم خصوصی افراد ندارد

● شرق: جلسه‌ای با موضوع آسیب‌های اجتماعی روز گذشته به ریاست عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران و با حضور مسئولان مرتبط با موضوع در نیروی انتظامی، شهرداری و دیگر سازمان‌های مربوطه برگزار شد. در این جلسه جعفری‌دولت‌آبادی دستور کار جلسه را جرایم مرتبط با امنیت اخلاقی اعلام کرد و با توجه به گزارش پلیس، از افزایش روند آن اظهار نگرانی کرد. دادستان عمومی و انقلاب تهران با اشاره به آمار جرایم مربوط به اعتیاد، مفاسد اخلاقی، مزاحمت‌های خیابانی، کشف حجاب و مانند آن، به ضرورت همکاری مسئولان همه دستگاه‌ها بر اجرای این‌گونه طرح‌ها تأکید کرد.

دادستان تهران از پلیس خواست که برای اجرای مناسب طرح‌ها، از ظرفیت همه دستگاه‌ها ازجمله صداوسیما استفاده کند و اظهار کرد پلیس مکلف است در جرایم مشهود به وظایف ذاتی خود عمل کند. وی درباره مجوز دادستانی پیرامون توقیف خودروهایی که راننده مست است، کشف حجاب توسط بانوان یا حرکات غیرمتعارف گفت: پلیس وظیفه دارد طبق دستور صادره اقدام کند. در ادامه جلسه، سردار ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، ضمن انتقاد از اظهارنظرهای اخیر برخی مسئولان و هجمه رسانه‌ای در مورد اجرای طرح امنیت اخلاقی، گفت: بدحجابی و کشف حجاب جرم مشهود است و ارتباطی به حریم خصوصی افراد ندارد. در ادامه جلسه سردار زاهدیان، رئیس‌پلیس اخلاقی ناجا، به ارائه آمار مقایسه‌ای از کشفیات و دستگیری‌های پلیس در زمینه جرایم مربوط به حوزه اجتماعی در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ پرداخت.

در پایان این جلسه، جعفری‌دولت‌آبادی بر جمع‌آوری معنادان متجاهر زن و معرفی به مراکز تعیین‌شده، تأکید کرد. وی در انتقاد از کم‌کاری برخی مسئولان در این حوزه گفت: وقتی موضوع تقسیم کار می‌شود برخی دستگاه‌ها غایب‌اند، اما حین تقسیم بودجه، همگی سهم می‌خواهند.



جای خالی باغ در ریه تهرانی چه نشسته است؟ باغ‌ها یکی یکی از نقشه غیب می‌شوند اما آیا شهری که جایشان می‌نشانیم تنها محل عبور، خرید و گذر کردن است؟ جای زندگی، فراغت و تنفسِ شهر ما کجاست؟